



عکس: سانا صفائی / شهرآرا

روایت کارآفرینی مریم سرپلی نوغانی
برای بانوانی که اقتصاد مقاومتی را ترویج می کنند

دنیای عروسکی

در دل خانه های «گوندوک»

شهر بانو

۸ صفحه ویژه بانوان مشهد | شماره ۳۵۶ روزنامه شهرآرا
۱۴۰۰ ۰۷ ۲۶

۲شنبه

خانواده باید کانون حمایت باشد،
نه میدان انتقاد

روزگار سپری شده
«قیاس نسل» ها

زنان شاغل
و تشویش
کارهای ناتمام!



شب‌نم کرمی
روزنامه نگار

(آفاق)

جامعه پذیری کودکان؛

آموزش از دست رفته در روزگار کرونا

شروع سال تحصیلی به روال مجازی برای بسیاری از مادران هم‌چنان مشکلات و سختی‌های یک سال و نیم گذشته را به دنبال دارد. با این حال، ضمن ناچاری از ادامه این شیوه تحصیلی، پیش‌گیری از بیماری جسمی کودکان و نوجوانان نباید عاملی برای غفلت از کاستی‌های احتمالی تربیتی و اخلاقی این نسل شود. از آنجا که بچه‌ها در این دوره زندگی خود بیشترین آموزش‌پذیری را دارند، کوتاهی در این زمینه می‌تواند به بروز آسیب‌های فردی و اجتماعی بسیاری در آینده آن‌ها منجر شود. نبود توجه به همه ابعاد وجودی کودکان و نوجوانان در دوران فراگیری، نه تنها برای خودشان ضربه‌زننده است که در آینده، همگان از این آسیب‌ها رنج خواهند برد.

در آموزش مجازی، ارتباط حقیقی میان گروه هم‌سالان وجود ندارد. از سوی دیگر، با توجه به کم‌جمعیت شدن خانواده‌های امروزی و نبود رفت‌وآمد با اقوام و دوستان، خلأ تنهایی بچه‌ها از جای دیگری پر نمی‌شود. زندگی در آپارتمان و شرایط قرنطینه به مدت طولانی نیز مانع از تخلیه انرژی کودکان و نوجوانان می‌شود و آن‌ها افرادی گوشه‌گیر یا پرخاشگر می‌سازد. خستگی و فرسودگی والدین به‌ویژه مادران از مشکلات این روزها، ارتباط‌سازنده میان کودک و فرزند را دچار خدشه می‌کند که همه این‌ها به جامعه‌پذیری کودکان ما به شدت لطمه می‌زند.

جامعه‌پذیری در حقیقت نوعی فرایند کنش متقابل اجتماعی است که در آن، فرد هنجارها، ارزش‌ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را فرامی‌گیرد، آن را درونی و با شخصیت خود یگانه می‌کند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۱۴۴) و بعد از خانواده، گروه هم‌سالان دومین عامل جامعه‌پذیری است. (ستوده، ۱۳۸۵).

هرچند والدین عامل عمده اجتماعی شدن در سنین پایین هستند و این نفوذ در نوجوانی نیز ادامه دارد، دوستان صمیمی، زمینه دیگری برای اجتماعی شدن در دوران نوجوانی به شمار می‌روند. به یقین کودکان هم‌زمان با فراگیری خواندن و نوشتن در دوره اول ابتدایی، باید الفبای ایجاد رابطه دوستانه را هم در تعامل با دیگران بیاموزند. حال، این کودکان همه این‌ها سه سال طلایی را فقط در خانه و با مادر و پدر و در نهایت یک خواهر یا برادر بزرگ‌تر یا کوچک‌تر طی کرده‌اند. آنچه بی‌گمان در این میان می‌تواند نگران‌کننده باشد موضوع جامعه‌پذیری کودکان و آسیب‌هایی خواهد بود که در این مدت به آن دچار شده‌اند. این موضوع برای نوجوانان نیز که سه سال دوره اول متوسطه خود را با غرق شدن در فضای مجازی طی کردند صادق است. گاهی از خود نوجوانان عباراتی طنزآمیز نظیر «اینترنت که قطع شد از اتاق خارج شدم و دیدم همه غریبه‌اند و فهمیدم خانواده‌ام مدت‌ها پیش از این خانه نقل مکان کرده‌اند!» می‌شنویم که اگر دقیق‌تر به این مفاهیم بپردازیم از شکاف‌های اجتماعی عمیق میان نوجوانان و جامعه و خانواده خبر می‌دهد.

از آنجا که پیوند نوجوانان با والدینشان به تدریج ضعیف‌تر می‌شود، هم‌سالان در رشد روانی آنان نقش حساسی می‌یابند. هم‌سالان امکاناتی برای یادگیری مهارت‌های اجتماعی، کنترل رفتار و در میان گذاشتن مشکلات و احساسات مشابه فراهم می‌کنند. پذیرفته شدن از سوی هم‌سالان و داشتن چند دوست نزدیک در زندگی نوجوان بسیار اهمیت دارد که البته توان ارتباط برقرار کردن با هم‌سالان به‌طور مسالمت‌آمیز و بر پایه جامعه‌پذیری از دوران ابتدایی و مدارس شکل می‌گیرد.

روابط ضعیف با هم‌سالان در دوران کودکی و نوجوانی، ناسازگاری‌های عاطفی دوران بزرگسالی، بزهکاری، اختلالات در سازگاری جنسی و سایر رفتارهای ناسازگارانه را منجر می‌شود (هاشمیان، ۱۳۹۲).

یگانگی اجتماعی، شرط بقای هر جامعه است. از این رو هر جامعه می‌کوشد با جامعه‌پذیری، اعضای خود را با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی آشنا کند و به آن‌ها مطالبی بیاموزد تا بتوانند متناسب با هنجارهای جامعه خود زندگی کنند. اگر فرایند اجتماعی شدن ناموفق باشد و هنجارهای جامعه را ملکه ذهن افراد نکنند، افرادی در جامعه پرورش می‌یابند که به علت درونی‌نشده هنجارها، از تخلف و قانون‌شکنی احساس پشیمانی و شرمساری نمی‌کنند و تنها نیروی درونی بازدارنده آن‌ها از انحرافات اجتماعی از بین می‌رود (چلبی، ۱۳۸۹).

از این رو، با توجه به زمان از دست‌رفته آموزش جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان در دوران همه‌گیری کرونا، پرداختن جدی به این مهم از سوی کارشناسان و مسئولان و دادن راهکارهای مناسب به خانواده‌ها به‌ویژه مادران برای پیش‌گیری از تخریب روانی و شخصیتی فرزندانشان لازم و جدی به نظر می‌رسد.

شهر بانو

شهر بانو

شنبه
۲۶ مهر ۱۴۰۰
۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ شماره ۳۵۰۶

(۲)



عکس: سعید گل‌آشهر



تکتم جاوید
کارشناس رشد روانشناسی عمومی

(فروغ)

«خودسرزنی» یعنی تو همیشه متهم هستی!

می‌شوند و هیچ کاری انجام نمی‌دهند. برای بهتر شدن زندگی و اوضاع‌شان هیچ اقدام جدی و مؤثری انجام نمی‌دهند چون معتقدند نمی‌توانند یا نمی‌شود. عده‌ای دیگر خودشان را غرق در مشغولیت‌هایی می‌کنند که فقط حواس خود را پرت کنند مثل مصرف مواد مخدر، تفریح مداوم یا روابط خارج از حیطه زناشویی. برخی دیگر هم شروع می‌کنند به تلاش بیش از اندازه و غیرمعمول برای جبران چیزی که برگشت‌پذیر نیست.

اما حقیقت این است که نباید به خودتان سخت بگیرید. گذشته ما جزئی از وجود کنونی ما به حساب می‌آید اما باید در زمان خودش نقد شود. نمی‌گوییم گذشته را فراموش کنید چون اثر آن همیشه با شما خواهد بود. می‌گوییم از یادآوری آن رنج نکشید. سعی کنید بفهمید احساس پشیمانی از گذشته قرار است چه فایده‌ای برای حال امروزتان داشته باشد.

پذیرید که اشتباه کرده‌اید اما باید یاد بگیرید وقتی از خودتان ناامید شدید چه رفتاری انجام بدهید که مغلوب آن احساس نشوید. بیشتر خودسرزنی‌های ما به اصطلاح امروزی‌ها گیر دادن است. زندگی عادی باید بگذرد با خوبی‌ها و بدی‌های خودش. سخت‌نگیرید! زندگی برای همه ما خیلی چیزها کم دارد. اصلاً خیلی‌ها از این زندگی راضی نیستند.

البته این توصیه‌ها وقتی کارساز است که احساس خودسرزنی شما باعث ایجاد افسردگی یا اختلالات روحی دیگر نشده و کیفیت زندگی‌تان را مختل نکرده باشد. در آن صورت، اولین و آخرین پیشنهاد ما مراجعه به روان‌شناس است.

«روزی چندبار خودم را برای اینکه اهل پس‌انداز نبودم سرزنش می‌کنم.» «حالا که گذشته را مرور می‌کنم، با خودم می‌گویم ای کاش به جای علوم انسانی، پزشکی می‌خواندم که درآمد بیشتری دارد.» «کاش در آن سن کم ازدواج نمی‌کردم.» «اگر عقل الان را داشتم، اصلاً بچه‌دار نمی‌شدم.» «چرا پیشنهاد شغل به آن خوبی را رد کردم؟» «اگر می‌دانستم عاقبت زندگی مشترک به اینجا می‌کشد، همان سال اول طلاق می‌گرفتم.» و ...

استثنا نداریم. همه ما آرزوهایی داشته‌ایم که به آن‌ها نرسیده‌ایم یا کارهایی بوده‌اند که در انجامشان شکست خورده‌ایم. وقتی در سن چهل‌پنجاه سالگی گذشته را مرور می‌کنیم، انگار انتخاب‌های دیگر خیلی آسان بوده و پیش‌روا چشم‌ما قدرت دیدن آن‌ها را نداشته است. آن وقت، سرزنش کردن بدیهی‌ترین کاری است که از عهده ما برمی‌آید و بعد، تحقیر خودمان که چرا این‌قدر ناتوان بودیم. بعضی‌ها به‌شدت در این چرخه گرفتار می‌شوند. هر روز و هر شب، به محض برخورد با یک مشکل، نقص‌های خود را به خاطر می‌آورند.

یادآوری خاطرات گذشته و سرزنش مداوم خود ابتدا ما را غمگین و در طولانی‌مدت افسرده می‌کند، نه به این دلیل که چرا آن کارها را انجام دادیم، بلکه به این دلیل که پس از گذشت مدت‌ها نتوانسته‌ایم از دل آن اشتباه فایده‌ای به دست آوریم. این اتفاق در روان‌شناسی به self attack مشهور است، همان خودسرزنشگری خودمان. وقتی چنین حسی به سراغمان می‌آید عده‌ای واکنش اجتنابی دارند. یعنی انتهای این سرزنش مداوم، منفعل



مehتاب
علی نژاد
دکترای
جامعه شناسی

هنگامه

عکس تزئینی است



خانواده باید کانون حمایت باشد، نه میدان انتقاد

روزگار سپری شده «قیاس نسل» ها

سرشار از سردرگمی ها تبدیل شده است، سردرگمی از اطلاعاتی که پیوسته به روز می شوند و نوجوانی که شاهد است که موفق شدن در دنیای امروز به مراتب دشوارتر از گذشته است. همین است که دختر نوجوان هفده ساله زمانی که مقابل من نشست است و زندگی اش را روایت می کند، نه در دوراهی تحصیل یا ازدواج که نوجوان دیروز با آن دست به گریبان بود گیر افتاده، بلکه در چند راهی انتخاب مناسب برای رهایی از ناکامی قرار گرفته است. در گذشته، انتظارات اجتماعی می گفت دختر یا برود دانشگاه یا برود خانه بخت. در واقعیت نیز انتخاب های گسترده یا منابع بیشتری برای او وجود نداشت. امروزه اما منابع بسیار و انتخاب های بی شماری پیش روی آنان قرار می گیرد. اما انتظار هم چنان بر مبنای همان مدل سابق است: انتخاب یکی از دوراه. اما نوجوان مستأصل در چند راهی کدام مسیر؟ کدام انتخاب؟ سرگردان می شود. مقایسه گری از میدان مقایسه به دختران فامیل و نهایتاً مدرسه به دختران در سراسر جهان گسترده شده است. خودتان را از بزرگ سالی شکل گرفته با دانش و تجربه رها کنید و به جای نوجوانتان بگذارید، نوجوانی تهی از تجربه و درگیر دانش پیش رونده و به روز شونده. شاید شما نتوانید انتظار اجتماعی ریشه گرفته از گذشته را متناسب با نیازها و واقعیت های روز اصلاح کنید اما دست کم می توانید گامی برای کاهش فشارهای روانی ناشی از آن بر ذهن نوجوانتان بردارید. زندگی را از دریچه فهم و دانش او بنگرید و با ادغام تجربه خودتان، یک تسهیلگر توجه دهنده باشید.

احساس تعلق بهترین راه نجات دهنده از طوفان نوجوانی است

هم راستا با استیصال برابر انتظارات اجتماعی که نوجوان امروز با آن درگیر است، یک استیصال قوی تر را نیز تجربه می کند: استیصال ناشی از نبود احساس تعلق به خانواده، درک نشدن از سوی شما به عنوان خانواده اش. زمانی که توسط انتظارات اجتماعی نامتناسب با دوره زیست نوجوانی اش آسیب دیده یا به چالش کشیده شده است و به خانواده به ویژه مادر پناه می آورد تا خود را در خانواده باز یابد با واکنش نامناسب والدین روبه رو می شود زیرا مادر و پدر واقعیت زندگی امروز او را با واقعیت دوره نوجوانی خود برابر می گیرند و تفاوت شرایط و امکانات زمانی را نادیده می انگارند و مقایسه ای نامتناسب را رقم می زنند. نوجوان از این مقایسه ناکارآمد احساس نومیدی و تنهایی می کند. حس اینکه نزدیک ترین و عزیزترین افراد زندگی اش درکش نمی کنند او را از خانواده دور می کند زیرا این گونه استنباط می کند که به جایی که او را درک نمی کنند تعلق ندارد. او در جست و جوی یک ریسمان است تا بر آن بیاویزد: تعلق به کسی یا جایی تا او را از رنج تنهایی مطلق برهاند. نوجوان شما به ویژه اگر دختر باشد که در فرایند جامعه پذیری بیش از پسران آموخته است موجودی عاطفی باشد، احساس تعلق را ابتدا در خانواده می جوید. والدین به ویژه مادران باید از مقایسه های ناکارآمد دست بردارند زیرا دوره پرورش بر پایه نصیحت و مقایسه نسلی گذشته است. هر نسلی نیازمند آموزه های تربیتی متناسب با دوره زمانی خود است. محبت را افزایش دهید و متعلق بودن به قانونی حمایتگر را به او هدیه دهید.

هفده ساله است، با چهره ای غمگین و تهی از شوق زندگی. برای یک نوجوان، چنین چهره غمگینی خارج از انتظار است زیرا هنوز به عنوان یک محصل اصلی ترین وظیفه اش صرفاً تحصیل است و با بحران های زندگی اجتماعی که در جوانی و بزرگ سالی تجربه می شود، بسیار فاصله دارد. از او انتظار می رود درگیر مصائب عمیق اجتماعی نباشد و به اصطلاح بچسبد به درس و مشقش. جویای احوالات ذهنی اش که می شوم بیشتر از خودش برابیم می گوید، از چرایی های مذهبی و فرهنگی و اجتماعی که ذهن جست و جوگرش را به خود مشغول داشته است، از هراس هایش درباره آینده، از تنهایی اش در خانواده. کمی که بیشتر از خودش می گوید، به لایه های پنهان دغدغه های ذهنی اش نزدیک تر می شوم. یک گام عقب تر از آنچه در ظاهر به نظر می رسد، یک گام عقب تر از مشکلات مدرسه و فشار اجتماعی انتخاب رشته و جایگاه شغلی. درگیری های ذهنی اش در پیچ و تاب مشکلاتی که در خانواده دارد ریشه دوانده است. این افسردگی و غم پنهان که چشم هایش را تسخیر کرده است برگرفته از خانواده است، اما چگونه؟

انتظارات دور از واقعیت اجتماعی را به چالش بکشید

پیش تر گفتیم از این نوجوان غم اندود و چه بسا بسیاری از نوجوانان انتظار می رود درگیر مصائب عمیق اجتماعی نباشند. این یک انتظار اجتماعی است، اما آیا به صرف جمعی بودن می توان گفت انتظاری بجا و کارآمد است؟ نوجوان تحت تأثیر قضاوت های اجتماعی و انتظارات از پیش معین شده که در بیشتر وقت ها حتی تاریخ مصرفشان گذشته است، خود و شرایطش را ارزیابی می کند. اما شما چگونه به دغدغه های ذهنی نوجوانتان نگاه می کنید؟ آیا به او حق می دهید؟ درباره دغدغه هایش چه می دانید؟ در طول یک سال چند مرتبه پیش می آید که با او همراهی و همدلی کنید و از روزهای نوجوانی اش بشنوید؟ از آن دشواری ها که او خود را در آن احاطه شده و تنها می بیند؟ آیا شما در شنیدن او، توجه دادن را هم لحاظ می کنید یا صرفاً می شنوید؟ آیا همیار بودن برایش را یاد گرفته اید چنان که به او احساس دوست داشته شدن بدهید، به گونه ای که احساس کند به کسی و جایی تعلق دارد؟ به مادر، پدر یا خانواده اش. تنهایی و استیصال که نوجوان امروز را احاطه کرده است درک می کنید آن هم به عنوان یک نوجوان عصر ارتباطات. نوجوان امروز گذار از کودکی به جوانی را با شتابی فزاینده طی می کند. بیشتر می داند و این افزایش دانستن، رنج زیستن را به همراه می آورد. ارمغان زندگی جهانی در کنار افزایش رفاه برای نوجوان امروز گسترش اضطراب دانستن و هراس از شکست و ناکامی است. اکنون واقعیت اجتماعی دوره نوجوانی در مقایسه با دوره های پیشین تغییر کرده است. نوجوانان دهه های ۶۰ و ۷۰ دنیایی بسیار متفاوت از نوجوانان دهه ۸۰ را سپری کرده اند. واقعیت اجتماعی تغییر کرده است اما آیا انتظارات اجتماعی هم متناسب با تغییرات واقعیت ها تغییر یافته است؟ این همان نقطه چالش برانگیزی است که چشم های یک نوجوان را غم آلود می کند و لایه های ذهنش را به اضطراب و افسردگی گره می زند.

واقعیت ها و «باید» ها و «نباید» ها

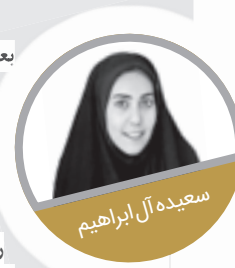
واقعیت اجتماعی امروز این است که نوجوانی به دوره ای دشوار و



روایت کارآفرینی مریم سرپلی نوغانی برای بانوانی که اقتصاد مقاومتی را ترویج می کنند

دنیای عروسکی در دل خانه های «گوندوک»

در روستای گوندوک دامداری و کشاورزی چندان جریانی ندارد که مردان و زنان را مشغول و سفره هایشان را پر رونق کند. اینجا حتی بعضی مردان نیز که سرپرست خانواده اند بیکارند چه برسد به زنان خانه. اما این بار از بارقه امید و انگیزه زندگی با شروع یک کارآفرینی در دل محرومیت می نویسیم. بانو مریم سرپلی نوغانی یک مادر دهه هفتادی است که چند سالی می شود بساط عروسک و جعبه سازی را در دل خانه های این روستا برپا کرده است تا علاوه بر تغییر روحیه بانوان، منبع درآمدی نیز برای خانواده هایشان باشد. او تا پیش از شیوع ویروس کرونا و کساد کسب و کارها تا ۲۰۰ بانو را در روستا شاغل می کند. خانه یا همان کارگاهی که قرار است ماجرای اشتغال زایی را در آنجا بشنویم، به اصطلاح پایین قلعه یا همان روستا قرار دارد. بچه های قد و نیم قد در کوچه های خاکی به دنبال هم می روند و گاهی با زباله های پلاستیکی که در حاشیه کوچه ها ریخته است بازی می کنند. این خانه خیلی بزرگ نیست، اما سرمنشأ اتفاقات خوبی در این روستا بوده است. در حیاط خانه، درها و تکه های چوبی به چشم می خورد که نشان از شغل همسر نوغانی دارد. اتاقی که حال و پذیرایی خانه است، در ۲ طرف قفسه های فلزی به دیوارش زده اند. یک طرف وسایل مورد نیاز و طرف دیگر محصولات آماده تحویل تا سقف پر شده است. علاوه بر آن، کارتن های روی زمین پر از عروسک هایی در طرح ها، رنگ ها و حتی اندازه های متفاوت و جعبه هایی است که با کاور پلاستیکی پوشانده شده است. اینجا محل توزیع و بسته بندی است و معمولاً بانوان در خانه های خود کار می کنند.



سعیده آل ابراهیم

کرد، اما من این کار را انجام دادم. مبلغی را که از دوستم قرض کرده بودم در اقساط پنجاه هزار تومانی به او برگرداندم.»

بازاریابی در معدن عروسک فروش ها

او پیش از اینکه اقدام به خرید وسایل کند، پیشنهاد کار را به زنان روستا می دهد و با استقبال روبه رو می شود که او را بیش از قبل در این کار مصمم می کند. «اولین بار از یک نفر خواستم بیاید و عروسک سازی را به ما آموزش بدهد. ۳۰ نفر از زنان روستا برای کار آمدند و ۳۰۰ عروسک تولید کردیم بدون اینکه جایی به ما سفارش داده باشد. بعد از ساخت، به پنجره ای یعنی معدن عروسک فروش ها رفتم و برای تک تک کارهایمان بازاریابی کردم و خوشبختانه آن عروسک ها را به بهترین قیمت از من خریدند.»

آن ها ۳ سال پیش با یک مدل عروسک شروع به کار می کنند و به مرور طرح های دکتر، مهندس، آشپز، عروس و داماد و... را نیز تولید می کنند. او عید نوروز همان سال خطر می کند و با وجود هزینه بالا

که در کوچه ها و در هوای سرد بازی می کردند، اما حتی لباس مناسبی نداشتند.» از زمانی که به خاطر می آورد، به برنامه های کارآفرینی که تلویزیون پخش می کرد علاقه داشت و در دلش صاحب آن کسب و کار را تحسین می کرد. «مدتی عروسک خریداری می کردم و به همراه خانواده خودم در نمایشگاه ها به فروش می رساندم. از آنجا که درآمد خوبی داشت به عنوان یک ایده کاری به آن نگاه کردم تا بتوانم زنان روستا را نیز شاغل کنم.»

با دست خالی شروع کردم

زمانی که ایده راه اندازی کار عروسک سازی به ذهنش می رسد، هیچ سرمایه ای در بساط ندارد که بتواند مواد اولیه را تهیه کند، اما باز هم نمی گذارد ناهمواری ریل، او را از مسیر منحرف کند. یک میلیون تومان از دوستش قرض می کند و با همان مبلغ، جوراب، چشم، پارچه و هر چیزی برای ساخت یک عروسک لازم است تهیه می کند. «خیلی ها می گویند با دست خالی نمی شود کاری را شروع

می خواستم نشاط را به بانوان برگردانم

مریم نوغانی متولد سال ۷۰ و اهل مشهد است. فرزند پنجم خانواده ای هشت نفری است که با ازدواج در سن چهارده سالگی، بقیه درسش را در خانه بخت ادامه می دهد. دیپلم برنامه نویسی کامپیوتر می خواند و مدرک کاردانی خود را در رشته مدیریت دریافت می کند. او و همسرش روز اولی که به این روستا پا گذاشتند، قصد خرید خانه داشتند. سرانجام به کمک وام های قرض الحسنه خانگی و چندین قسط، می توانند خانه را خریداری کنند. ۹ سال پیش بود که سند خانه ای در دل روستای گوندوک (انتهای رسالت ۱۲۹) به نامشان زده شد. روزهای اولی که نوغانی جزو ساکنان این روستا شده بود، روحیه زنان روستا را پُر کرده دید و می خواست هر طور که شده نشاط را به دل آن ها برگرداند. «من همیشه سعی می کنم روحیه ام را شاد نگه دارم، اما روحیه ای که در زنان روستا می دیدم برخلاف این بود. دلیل این ناراحتی، علاوه بر مشکلات روستا، بیکاری و مشکلات مالی خانواده ها بود. به یاد دارم که بچه هایی را می دیدم



تهران

شهربانو

۲۶ مهر ۱۴۰۰
۱۱ ربیع الاول ۱۴۴۳ شماره ۶۰۶۳۵۰۶

(۵)



در نمایشگاه، غرفه‌ای برپا می‌کند. «در آن نمایشگاه از دل و جان مایه گذاشتم. به تک‌تک مشتری‌ها توضیح می‌دادم که این عروسک‌ها را چه کسانی و در کجا درست کرده‌اند. به همین دلیل نیز هیچ‌کس از غرفه‌مان دست‌خالی برنمی‌گشت. حتی افرادی که بچه نداشتند از من عروسک می‌خریدند.»

اشتغال در کنار خانه‌داری

اولویت همیشه خانواده‌اش بوده است. نمی‌خواهد که به دلیل مشغله کاری، از وقت و رسیدگی برای همسر و پسرش کم کند. حدود ۲ سال، این خانه هم محل زندگی و هم جایی برای کار بود و او هر روز ساعت ۳ یا ۴ صبح، زودتر از همه بیدار می‌شد تا غذا درست کند و به کارهای خانه برسد. یک پسر نه‌ساله دارد که او هم در کنار مادر، عروسک‌سازی را یاد گرفته است و وسایل کار را به خوبی می‌شناسد. به همین دلیل، گاهی کمک‌دست مادرش است. همسر او نیز شاید ابتدا با شروع کار چندان موافق نبود، اما بعد از گذشت چند ماه، حمایتش را از همسرش دریغ نکرد و همین موضوع، آرامش خاطر نوغانی را در رسیدگی به کارها بیشتر می‌کرد. «هر روز شوهرم که به سر کار می‌رفت، با یک تیم برای مدل‌های جدید عروسک طرح‌ریزی می‌کردیم. بعد از مدتی، یک خانه دیگر در روستا اجاره کردم تا به جای اینکه زنان در خانه‌هایشان کار کنند، در کارگاه همه با هم کار کنیم و شاید پیشرفت و سرعت کار بالا برود، اما استقبال نشد و زنان به دلیل اینکه خانه‌داری و بچه‌داری نیز می‌کردند، راحت‌تر بودند که در خانه کار کنند. پس آن کارگاه را جمع کردم.»

او با کمترین پول این کار را شروع می‌کند و حالا به سرمایه خوبی رسیده است. حدود یک سال و نیم است که خانه‌ای در محله‌ای دیگر اجاره کرده‌اند، اما باز هم به گفته خودش، نیمی از عمرش را در همین مکان می‌گذراند. «خوشبختانه برکت این کار برای خودم و زنان این روستا خوب بوده است. اینکه طی ۳ سال در این کار موفق شدیم، نوعی معجزه بود. اکنون با آستان قدس رضوی قرارداد داریم. علاوه بر آن، عمده‌فروش‌هایی نیز عروسک‌هایمان را تهیه می‌کنند. البته فروش به صورت مجازی را نیز فعال کرده‌ایم.»

آزادسازی به خرید سیمونی ممکن شده است

اشتغال‌زایی برای بانوان روستا مزایای زیادی داشته است. آن‌ها از زندگی‌شان راضی هستند و همیشه در خانه کاری برای انجام دادن دارند که بابت آن مزد دریافت می‌کنند. بعضی‌هایشان از طریق درآمد این کار توانسته‌اند جهیزیه دخترانشان را جور کنند. برخی دیگر برای نوه‌هایشان سیمونی خریده یا برای بچه‌هایشان لباس عیدی تهیه کرده‌اند و بدون دردسر آن‌ها را در مدرسه ثبت‌نام می‌کنند زیرا دیگر نگران هزینه ثبت‌نام نیستند. بیشتر زنانی که با نوغانی کار می‌کنند، همسرانشان بیکارند یا خانواده‌هایشان به نوعی درگیر آسیب‌های اجتماعی هستند. «همین که می‌بینم بخشی از مشکلات خانواده‌ها که به طور مستقیم با موضوعات مالی ارتباط دارد بهتر یا حل شده است، حس خوبی دارم. حتی بعضی بانوان درآمدشان از همسرشان نیز بیشتر شده است. به همین دلیل، یک کارگاه دیگر درست ۶ ماه بعد از اینکه کار در این روستا راه افتاد، در خیابان رسالت فعال کردم. ۴۰ نفر از بانوان آن محله نیز در آنجا مشغول به کار هستند، علاوه بر اینکه ۵۰ نفر نیز در روستای گوندوک کار می‌کنند. درآمد این بانوان به میزان کارشان بستگی دارد، اما می‌شود گفت کمتر از ۷۰۰ هزار تومان نمی‌شود.»

او برای گسترش کار از بسیج و کمیته امداد وام گرفته است، اما از سخت‌گیری بعضی نهادهای دیگر برای ضامن و دریافت وام گله‌مند است زیرا برنامه‌هایی برای توسعه کار و اشتغال‌زایی بانوان بیشتری در سر دارد. «این روستا هزار و ۱۲۵ نفر جمعیت دارد. این یعنی ظرفیت قابل توجه و هنوز اشتغال بیشتری را می‌طلبد. می‌خواهم یک کارگاه قالی‌بافی نیز به راه بیندازم. اینجا حتی پسرچپه‌هایی هستند که از من کار می‌خواهند تا مزدی بگیرند و کمک‌خرج خانواده‌شان باشند. گاهی کارهای آسان‌تر عروسک‌سازی مانند ساخت کیف‌های کوچک را به آن‌ها می‌سپارم.»

اوایل بعضی طرح‌های عروسکی که کار می‌کردند کپی برابر اصل از عروسک‌های موجود در بازار بود، اما اکنون نه تنها طرح و ایده‌های جدیدشان

را وارد کار کرده‌اند بلکه به فکر تلفیق و به نوعی ابداع در ساخت عروسک‌اند. «بسته به شرایطی که خانواده‌ها دارند، شب‌به‌شب، هفتگی یا ماهانه با آن‌ها تسویه حساب می‌کنیم. دوست دارم در محله‌های بیشتری شغل ایجاد کنم و روزی برسد که دست کم زمانی که بسته معیشتی در روستای خودمان می‌آورند، بگویند ما احتیاجی نداریم.»

کرونا فروشمان را کاهش داد

کرونا مانند هر کسب‌وکار دیگری بر شغل عروسک‌سازی نیز تأثیر می‌گذارد و جدا از اینکه لوازم کار گران شده است، به ناچار تعداد نیروهای کار نیز کمتر می‌شود. «برای من که دوست دارم همه بانوان شاغل باشند، سخت بود که تعدادی از نیروهایمان را از دست بدهیم. ضمن اینکه کرونا نمایشگاه‌ها را نیز تعطیل کرد و فروشمان کاهش یافت. به یاد دارم نمایشگاهی در ماه رمضان برگزار می‌شد که از افطار تا ساعت ۲۳ یا ۲۴ برپا بود و در همان چند ساعت، بیش از یک میلیون تومان عروسک می‌فروختم. این عروسک‌ها قیمت چندانی ندارد و از ۱۰ تا ۱۴ هزار تومان است، اما برکت دارد. همیشه می‌گویم اینکه آدم خودش کار کند و چیزی را که نیاز دارد تهیه کند لذت‌بخش است، نه اینکه چشمانش به در باشد تا یک بسته خواروبار برایش بیاورند.»

فروش اجناس نوغانی ارتباط مستقیمی با مناسبت‌ها و حضور زائران و گردشگران در مشهد دارد. آن‌ها تا پیش از شیوع ویروس کرونا روزانه هزار عروسک تولید می‌کردند، اما اکنون به دلیل کساد کسب‌وکارها، هفته‌ای هزار عروسک تولید می‌کنند. «به دلیل همین افت فروش، ناچار شدیم تعداد بانوانی را که با ما کار می‌کنند کاهش دهیم. اما پیگیر هستم تا از طریق شورا و دهیاری روستا بتوانیم بودجه‌ای را برای کارآفرینی بیشتر جذب کنیم.»

نوغانی با بانوان روستا ارتباطی صمیمی دارد. در کنار اشتغال‌زایی، از مشکلات آن‌ها باخبر است و بعضی اوقات واسطه میان نیکوکاران و خانواده‌ها می‌شود. او به عنوان عضو شورای این روستا نیز فعال و دغدغه‌مند است. «این روستا یک مینی‌بوس ندارد و حتی تا سر خیابان بخواهیم برویم باید ۲۰ هزار تومان کرایه رفت‌وبرگشت بدهیم. این مبلغ برای کسانی که درآمد کمی دارند زیاد است. ضمن اینکه روستا آب شرب نیز ندارد و آب شور است.»

اولین دختر خانواده که شاغل شد

نوغانی در خانواده‌ای بزرگ می‌شود که پدرش شغل آزاد داشته و مادرش خانه‌دار بوده است. از لحاظ مالی نیز شرایط متوسطی داشته‌اند. در میان خویشاوندان، زن شاغل یا تحصیل کرده نداشته و این موضوع را بد می‌دانسته‌اند. با این حال، او اولین دختری بود که در خانواده درس خواند و بعد شاغل شد. «اوایل، بعد از اینکه کارآفرین و عضو شورای این روستا شدم، تعجب می‌کردند، اما حالا تشویق می‌کنند. حتی کسانی بودند که به دلیل فعالیت من، به فکر این افتادند که کاری راه بیندازند، مانند همسر برادرم که گل‌سر برای دختران درست می‌کنند. بعضی از زنان روستا را نیز علاقه و استعداد کار داشتند اما برای شروع کار دچار استرس می‌شدند، تشویق کردم و جرقه شروع به کارشان را زدم. چند نفری خیاطی می‌کنند یا اجناسی مانند لباس می‌فروشند. چند خانم دیگر نیز قالی می‌بافند.»

او معتقد است اهمیت کارآفرینی در روستا به مراتب بیش از شهر است زیرا روستاییان به دلیل نبود کار یا امکانات، به شهر مهاجرت می‌کنند. در غیر این صورت، در زادگاهشان می‌مانند. «به همه می‌گویم نیازی نیست برای شروع یک کار، سرمایه آن چنانی داشته باشند و یا کمترین سرمایه نیز می‌توان کار کرد. اوایل برای این کار سختی کشیدم. بارها شده بود که عروسک‌ها را برای فروش می‌بردم و نمی‌خواستند یا اینکه تعداد کمی را می‌خریدند، اما آن قدر پیگیری کردم تا به فروش خوبی برسم.»

نوغانی جوانی خوش‌فکر است که ایده‌های زیادی برای کارآفرینی در سر دارد و هدفش این است که زنان اعتماد به نفس از دست‌رفته خود را بازیابند و خانواده‌ها از کمک‌های مالی بی‌نیاز شوند.



زنان شاغل و تشویش کارهای ناتمام!

وجود دارد که باید انجام شود.

بگیرد و متناسب با آن به تدوین سیاست‌ها بپردازد.

➤ قانون مناسب باید جامع و کامل باشد

در موارد بسیاری، عامل اقتصاد در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد. افزایش تعداد زنان با تحصیلات عالی و مهارت‌ها و تخصص‌های گوناگون سبب شده است که انجام وظایف مربوط به اداره امور خانه، نتواند رضایت خاطر زنان را تأمین کند. بر همین اساس، داشتن پیشه و اشغال جایگاه شغلی و اداری در جامعه به هدفی تبدیل می‌شود که زنان را با انجام وظایفی دوگانه روبه‌رو می‌کند. اداره این وظایف دوگانه ناممکن نیست اما در بهترین حالت هم می‌تواند زنان را با دشواری‌های مربوط به تعارض نقش و جایگاه روبه‌رو کند و آن‌ها را بر دوراهی اولویت پیشرفت شخصی یا رفاه خانوادگی قرار دهد. از چنین نظرگاه‌هایی است که توجه به قانون‌گذاری در حوزه اشتغال زنان ضروری است. یک قانون مناسب و سیاست اثرگذار در رابطه با اشتغال زنان باید هم اهداف و دلایل اقتصادی اشتغال زنان را پوشش دهد هم به مسئله مهم خودباوری و رضایت خاطر و احساس مفید بودن زنان برای جامعه توجه کند. تنها در چنین حالتی است که می‌توان مطمئن شد این قوانین و سیاست‌ها می‌توانند کارگشا باشند. در حقیقت، این تصمیم‌گیری‌ها باید تا حد امکان مانع قرارگرفتن زنان بر سر دوراهی حفظ زندگی خانوادگی یا حضور در محل کار شود و در راستای چنین هدفی، بر مواردی همچون همکاری در خانه، تقسیم وظایف اداره خانه و مشارکت، تعامل و همدلی میان اعضای خانواده تأکید شود.

➤ زنان نان‌آور در چرخه اقتصاد کجا قرار دارند

از نگاه اقتصادی و بر اساس ماده ۳۸ قانون کار، نباید هیچ‌گونه تبعیضی میان زنان و مردان برای انجام کار و شرایط کار وجود داشته باشد. اما محدودیت‌های فیزیکی برای زنان به‌ویژه در انجام کارهای سنگین (مثلاً حمل بار سنگین‌تر از ۲۰ کیلو) به‌ویژه در دوران بارداری و پس از زایمان در نظر گرفته شده است. با این همه، شرایط کار به‌ویژه بیمه و پرداخت حقوق به صورت برابر، نکته‌ای است که چندان مورد توجه کارفرمایان قرار نمی‌گیرد. اما در وضعیت کنونی، زنان نیز همپای مردان برای رفع مایحتاج زندگی می‌کوشند و دیگر مسئولیت نان‌آوری را نمی‌توان به یک جنس محدود و محصور کرد.

➤ اشتغال و نظم خانه

اینکه شاغل بودن برای زنان دیگر نه یک استثنا بلکه به قاعده زندگی تبدیل شده است، اگرچه برخی مسائل اقتصادی خانواده‌ها را مرتفع ساخته است، دشواری‌هایی را در نظم زندگی و خانه‌داری به شیوه مرسوم پدید آورده است. این دشواری‌ها از آنجا نشئت گرفته است که زنان، در کنار مسئولیت‌های خارج از خانه، همچنان عهده‌دار اداره کارهای روزانه خانه و آموزش و پرورش کودکان هستند. البته بر کسی پوشیده نیست که در موارد بسیاری، همدلی فراوانی از سوی سایر اعضای خانواده در برابر زنان شاغل

در سراسر مسیر رفت و برگشت به محل کار، لحظه‌ای از فکر و خیال فارغ نیست: در راه رفت، کارهایی که باید در محل کار انجام دهد و در راه برگشت، همه آن وظایفی که در خانه انتظارش را می‌کشند. اضطراب و نگرانی از انجام به‌موقع کارها حس مشترک همه زنان شاغلی است که پذیرفته‌اند در کنار ایفای نقش‌های گوناگون، خارج از خانه نیز به فعالیت بپردازند. شغل داشتن و انجام فعالیت‌های خارج از خانه زمانی انتخاب و تصمیم زن‌ها برای انتخاب سبک و نوع زندگی بود، اما این روزها با در کنار هم گرفتن مجموعه‌ای از عوامل که اقتصاد و افزایش زنان سرپرست خانوار در رأس آن‌ها قرار دارد، شاغل بودن برای زنان به‌نوعی ضرورت و شاید همدلی و همکاری با مردان برای گذران زندگی به‌شمار می‌رود. این مسئله که دیگر شاغل بودن برای زنان یک نوع مدگرایی و رفاه‌طلبی نیست و به یک ضرورت تبدیل شده است، لزوم تدوین قوانین و سیاست‌هایی برای زنان شاغل را بیش از پیش آشکار می‌کند.



محدثه جزابی
دبیر انجمن علوم سیاسی
شعبه خراسان

برخی از این نقش‌ها متعلق وجودی انسان است. برای نمونه، اینکه همه انسان‌ها صرف نظر از جنسیت برای بقای خود و حفظ سلامتی خود می‌کوشند و می‌خواهند در آرامش و آسایش زندگی کنند امری است که در آن تردیدی وجود ندارد. درباره زنان شاغل این نکته مهم است که در یابیم این مشاغل کدامیک از اهداف وجودی زنان را پوشش می‌دهد. اگر هدف اصلی زنان را کسب درآمد و کمک به تأمین هزینه‌ها و مخارج زندگی بیان کنیم، به نظر می‌رسد سخن گفتن از برابری شرایط در محیط کار عادلانه باشد. اما اگر از حضور خارج خانه به دنبال اهدافی چون رضایت خاطر، استقلال مالی و به فعلیت رساندن استعدادها و توانایی‌ها باشیم، این قوانین و سیاست‌ها باید جایگاه ویژه زنان در جامعه و خانه را در نظر

➤ تعارض نقش‌ها برای زنان

یکی از دلایل اصلی نیاز به قانون‌گذاری در حوزه زنان شاغل به تقابل نقش‌ها و تعارض وظایف خانه‌داری با برخی تکالیف مربوط به مشاغل خارج از خانه بازمی‌گردد. درباره تعارض نقش‌های مادری و همسری با نقش‌های مربوط به شغل، تجربه‌ها و نوشته‌ها بسیار است، اما با اینکه چنین موضوعی همواره مدنظر فعالان حوزه زنان قرار گرفته، اندک‌اندک این پرسش فراموش شده است که اولویت زندگی زنان چیست. شاید اگر بتوانیم به این پرسش پاسخی درست و مناسب دهیم، بتوانیم بخشی از خواسته‌ها، مطالبه‌ها و نقدها را به سمت وسوی مناسبی ببریم. طبیعی است که هر انسانی هدف و نقش‌های منحصر به فردی برای خود در نظر می‌گیرد، اما



صف بسته‌اند در طلبت بی‌قراها

زهرا محدثی خراسانی متولد اسفند ۱۳۵۳ از شاعران با سابقه مشهد است. او کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دارد و سال‌ها فعالیت ادبی در زمینه شعر و پژوهش را در کارنامه خود دارد. کتاب شعر غزل شاعران خراسان با عنوان «شهود شرقی» مجموعه شعر «از شب سرد زمین»، مجموعه شعر «غم چیز دیگری ست» و اثر پژوهشی با عنوان «شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن» که در سال ۸۸ به چاپ رسیده است نشان از فعالیت این بانوی شاعر در زمینه ادبیات است. زهرامحدثی چندین سال پیاپی کارشناس شعر حوزه هنری، کارشناس شعر دفتر تبلیغات اسلامی، کارشناس شعر مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی هم‌چنین مسئول صفحه ادب و هنر مجله بین‌المللی «زائر» بوده است.

او مربی فرهنگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است و در زمینه شعر کودک نیز مجموعه «پلاک پرند» را از سوی نشر ستاره‌ها منتشر کرده است. شعر و آثار پژوهشی زهرامحدثی بارها در جشنواره‌های مختلف برگزیده و حائز رتبه شده است و در بسیاری از جشنواره‌های ادبی به عنوان داور و دبیر اجرایی و علمی حضور داشته است.

در بر گرفته خلوت دل را غبارها
ای علت شکفتن گل در بهارها!
با چلچراغ و آینه و آب سال هاست
صف بسته‌اند در طلبت بی‌قراها
رقصی است ماهیان به غم خو گرفته را
در پانهادنت به دل چشمه سارها
ای ناگهان درخشش بی‌ادعا بار
بر شانه‌های مویه شب‌زنده دارها
هرچند تا ظهور تودر بند عزلت است
مضمون بکر بال‌رها در حصارها
ما چشم بر نهایت راحت نهاده‌ایم
تاممکن است باشد از این انتظارها

غزل بخوان و بگریان قساوت ما را
طلوع کن که ببینم صبح فردا را
دریچه ای بگشا تا که باورت گردد
ندیده هیچ دلی آسمان و دریا را
و بی تو در تب اندوه غیبتت، موعود
ندید چشم غریبم دلی شکبیا را
تینیده روح خزان در فضای خاطر من
بگیر دست دل این غریب تنها را
پرنده بی تو در آوار سایه‌های غریب
غزل نخواند و گذشتیم عاشقی‌ها را



زهرا محدثی خراسانی

شهربانو

۲۶ مهر ۱۴۰۰
۱۱ ربيع الاول ۱۴۴۳ شماره ۳۵۰۶

(۷)



ربحانه صادقی
منترجم



زنان و ورزش، یگانه نسخه شادابی

قرن هاست که انسان‌ها از فواید فیزیکی ورزش آگاه بوده‌اند، اما در چند سال اخیر، توجه‌ها به آثار مثبت ورزش بر روان انسان به‌ویژه دختران جوان و زنان نیز جلب شده است. در پژوهشی که در سال ۲۰۱۷ انجام شد، مشخص شد فعالیت‌های ورزشی تأثیر مثبتی بر سلامت روانی زنان و شاد بودن آن‌ها دارند.

در این پژوهش، از دختران نوجوان و والدین آن‌ها درباره نقش ورزش در زندگی‌شان سؤال شد. نتایج بسیار درخور تأمل بودند:

فعالیت‌های ورزشی سبب افزایش احساس شادی و اعتمادبه‌نفس در دختران بین سنین ۱۲ تا ۱۷ سال می‌شوند. ۶۱ درصد از دختران حاضر در این پژوهش ورزش می‌کردند و ۴۲ درصد هیچ‌گونه فعالیت ورزشی‌ای نداشتند. دخترانی که ورزش می‌کردند درباره بدن خود اعتمادبه‌نفس بسیار بالایی داشتند. در مقابل، احتمال داشتن اعتمادبه‌نفس پایین در دخترانی که ورزش نمی‌کردند در مقایسه با گروه اول ۴ برابر بیشتر بود. دختران ورزشکار هم‌چنین کمتر احساس تنهایی، افسردگی یا بی‌حوصلگی می‌کردند. ۶۸ درصد از این دختران اعلام کردند در زندگی روزمره خود احساس شادی می‌کنند، اما این آمار برای دخترانی که ورزش نمی‌کردند تنها ۴۸ درصد بود.

این الگوی ذهنی تنها متعلق به دختران نوجوان نبود و درباره زنان بزرگسال نیز صدق می‌کرد. بیش از نیمی از زنان بین ۱۸ تا ۴۵ سالی که در این پژوهش حضور داشتند ورزش می‌کردند و کمتر از یک‌سوم دیگر هیچ‌گونه فعالیت ورزشی نداشتند. یافته‌های پژوهش حاکی از این بودند که زنان متعلق به گروه اول نسبت به بدن خود اعتمادبه‌نفس بیشتری دارند، از سلامت روان بیشتری نسبت به گروه دوم برخوردارند و توانایی بهتری برای مقابله با فشارهای زندگی روزمره دارند.

آمارها هم‌چنین نشان می‌دهند که دختران اغلب در پایان دوره دبستان ورزش کردن را کنار می‌گذارند و مردان به‌طور معمول در آغاز دوره کالج. ورزش سال‌های سال است که یکی از مهم‌ترین تجربه‌های آموزنده اجتماعی-فرهنگی برای پسران و مردان بوده است. به همین جهت، سازمان‌ها و گروه‌های بسیاری در مناطق و کشورهای مختلف برای فراهم ساختن فرصت استفاده برابر از این مزیت‌ها برای دختران تشکیل شده‌اند.

یکی از این سازمان‌ها «بنیاد ورزش زنان» یا «Women's Sports Foundation» است که در سال ۱۹۷۴ و با هدف ارتقای کیفیت زندگی دختران و زنان از طریق ورزش و فعالیت‌های جسمانی تأسیس شد. دلیل این هدف‌گذاری این بوده است که زنان و دختران نیز بتوانند از مزایای روان‌شناختی، فیزیولوژیکی و جامعه‌شناختی شرکت داشتن در فعالیت‌های ورزشی بهره‌مند شوند.

تصور عمومی بر این است که دختران به اندازه پسران به ورزش علاقه ندارند، و به همین دلیل، در آغاز دوره نوجوانی ورزش را رها می‌کنند. تحقیقات «بنیاد ورزش زنان» نشان می‌دهند که پسران و دختران، بین سنین ۶ تا ۹ سال (و والدینشان) به یک اندازه به شرکت در فعالیت‌های ورزشی علاقه‌مند هستند. به نظر می‌رسد دلیل این تفاوت چشمگیر بین پسران و دختران در دوره نوجوانی تربیت متفاوت آن‌ها باشد. پسران از سن ۲ سالگی به بعد هدایایی مانند توپ، دستکش و سایر لوازم ورزشی را هدیه می‌گیرند. آن‌ها تصاویری از هم‌جنسان ورزشکار خود در تلویزیون می‌بینند، عکس‌های مردان و پسران ورزشکار را در بخش‌های ورزشی مطبوعات می‌بینند و از طریق دوستان و والدینشان متوجه می‌شوند که از آن‌ها انتظار می‌رود به فعالیت‌های ورزشی بپردازند.

به همین سبب، «بنیاد ورزش زنان» باور دارد که ما باید در حمایت از مشارکت دخترانمان در فعالیت‌های ورزشی عملکرد بهتری داشته باشیم. به‌طور مثال، برای مناسب‌هایی مانند سال نو یا تولد، کتاب‌هایی درباره دختران ورزشکار یا لوازم ورزشی به آن‌ها هدیه دهیم، دخترانمان را به دیدن مسابقات ورزشی زنان ببریم تا با آگاهی و احترام نسبت به مهارت‌های ورزشی زنان بزرگ شوند و دخترانمان بتوانند شاهد تصاویری از عملکرد عالی هم‌جنسان خود در ورزش باشند زیرا آن‌ها کمتر چنین تصاویری را در تلویزیون یا روزنامه‌ها خواهند دید.

<https://www.sportsjoe.ie/world-of-sport/girls-play-sport-132419-happier-confident-according-new-report>

<https://www.womenssportsfoundation.org/advocacy/benefits-sports-participation-girls-women>

وبسایت رسمی بنیاد ورزش زنان

پرسش‌های حقوقی بانوان

زهره شوشتری
کارشناس حقوق

در این ستون به پرسش‌های حقوقی مخاطبان عزیز که با پیامک یا تلفن ثبت شده باشد پاسخ داده می‌شود. مخاطبان گرامی می‌توانند برای اطلاع بیشتر، با روابط عمومی شهرآرا به شماره ۳۷۲۸۸۸۸۱ تماس بگیرند یا به شماره پیامک ۳۰۰۷۲۸۹ پیام دهند.

من در تصادف خردشدگی درشت‌نی و نازک‌نی داشتم. چون باردار بودم فقط پلاتین گذاشتم. بعد از زایمان، مجدد عمل پیوند انجام دادم. می‌خواهم بدانم دیه پیوند به من تعلق می‌گیرد؟

باید نظریه پزشکی قانونی درباره عمل پلاتین‌گذاری و نتیجه نهایی آن مشخص باشد تا بتوان درباره طول درمان و دیه آن پاسخ کامل داد.

در سال ۹۲ در یک دعوای خانوادگی ۲ عموی بنده علیه پدرم شکایت کیفری مبنی بر جعل سند، فروش مال غیر و افترا کردند که در خصوص جعل سند ارجاع به کارشناسی شد و نظر کارشناسی رد ادعای جعل بود. شاکیان اقدام به ترک تعقیب زدند. در خصوص فروش مال غیر و تصرف عدوانی قرار موقوفی تعقیب صادر گردید و در خصوص افترا قرار منع تعقیب صادر گردید که در دادگاه کیفری نیز تأیید گردید. آیا می‌توان در خصوص هر حکم ادعای شرف و خسارت کرد؟

ادعای شرف یا ادعای حیثیت در صورتی امکان‌پذیر است که جرم یا اکاذیبی به دیگری نسبت داده شده باشد که بزه دیده می‌تواند پس از اثبات برائت یا بی‌گناهی خود در دادسرا یا دادگاه، از مرتکب شکایت و او را به مجازات اعاده حیثیت یا حکم قانونی ادعای شرف محکوم کند. در اعاده حیثیت، خسارت چه مادی چه معنوی، قابلیت پیگیری دارد. برای شکایت اعاده حیثیت باید شکواییه به مراجع قضایی با مراجعه به یکی از دفاتر خدمات قضایی ارسال شود.

مجتمع داخل بن بست قرار دارد. اخیراً مدیر ساختمان قانون گذاشته است که هر واحد بیشتر از یک ماشین حق پارک ندارد. سند واحدها آماده نشده است و این گونه که به نظر می‌آید واحدها پارکینگ ندارند و در سند هم پارکینگ قید نشده است.

می‌خواستم بدانم با این شرایط، مدیر ساختمان می‌تواند تعیین تکلیف کند؟ ما حتی برای پارک داخل کوچه هم دچار مشکل شده‌ایم.

مطابق قانون، کوچه بن بست مختص ساکنان آن کوچه است و امکان پارک برای ساکنان کوچه وجود دارد. در فرض سؤال، مدیر

ساختمان امکان تعیین تکلیف درباره مکان پارک خودروها را ندارد. درباره تعلق پارکینگ در مجتمع نیز بسته به اینکه در سند قید شده باشد یا نه، شرایط متفاوت خواهد بود.

من همسر دوم هستم ولی هنوز عقد دائم نکرده‌ایم. در حال حاضر باردار هستم. می‌خواستم راهنمایی بفرمایید برای شناسنامه فرزندم چه باید انجام دهم.

گرفتن شناسنامه برای فرزند از وظایف والدین است. پدر چه در عقد دائم چه موقت، موظف است برای فرزند خود شناسنامه بگیرد و اگر این کار را نکند، مادر می‌تواند الزام پدر را به گرفتن شناسنامه از طریق دادگاه بخواهد یا مادر، خود، حکم امین موقت از دادگاه دریافت و به ثبت اسم فرزند خود اقدام کند.



شهرزاد

نگار موقر مقدم

فعال فرهنگی



نویسنده، همراه با قلم زنانه او سبب شده است کار را بیش از پیش خواندنی کند.

«هرس» داستانی است سراسر رنج و دلهره که دست از سر خانواده «رسول» برنمی‌دارد. نخل‌های سربریده خرمشهر نشان از مردانی است که در برابر جنگ ایستادگی کرده‌اند و از زمین‌هایشان محافظت کرده‌اند تا آنکه جنگ در ظاهر به پایان می‌رسد. زنان در «هرس» حامل رنجی بی‌پایانند و تنها زنی که فرزند در قید حیات دارد «نوال» است، نوالی که از همه دنیا تنها یک پسر می‌خواهد. او رانده و مانده از خانه زندگی‌اش، همسر و فرزندان را رها کرده و به نخلستان‌ها پناه آورده است. او اسیر گذشته است. گذشته‌ای که تمام شده، اما آثار مرگبارش آینده را از میان برده است. به همین دلیل، از ابتدای داستان، نوال باردار رنج تبعات جنگ است، زنی که جز نثار کردن عشق و فداکاری به فرزندان سرزمینش کار دیگری ندارد. حالا که جنگ تمام شده و پرسش را از دست داده، او نگرانی نخل‌های خرمشهر، مادر همه مردهای از جنگ برگشته و جان سالم به در برده است. نوال زمین سوخته‌ای است که سیاهی جنگ را دیده است و دیگر توان به زندگی برگشتن را ندارد زیرا جنگ برایش تمام‌نشدنی است. او جز تیمار نخلستان‌ها و هم‌صحبتی با درختان و آن چیزهای ساده اما باارزشی که پس از جنگ باقی مانده است، توان دیگری ندارد.

در حقیقت، نوال خود درد است. با این حال، التیام‌بخش شهری سوخته است. بنابراین، مسئله اساسی در هرس، شاید به‌ظاهر مشکلی قابل حل باشد، اما وجود نمادها و نشانه‌ها عمق آسیب را بیشتر نشان می‌دهد و باعث شده است کار را از کتاب‌های دیگر سوا کند.

مسئله اساسی در کتاب، درد ازهم‌پاشیدگی زندگی رسول است که با اصطلاحات جنوبی، داستانی بومی پرکششی را ساخته است، داستانی که با گره‌افکنی و گره‌گشایی پیوسته خواننده را به دام تعلیق می‌اندازد و رفته‌رفته به سؤال اساسی کتاب پاسخ می‌دهد که «چرا نوال، پس از جنگ، به خانه و زندگی‌اش باز نمی‌گردد؟».

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «تو جنگه ندیدی. دروغ می‌گی که دیدی. اگه دیده بودی می‌دونستی فرقی نداره کی سر قبر کی گریه کنه. کی بچه کیه بزرگ کنه. می‌دونستی همین که زنده بس شونه.»

بدون شک، خواندن داستان «هرس» از زاویه نگاه زنانه می‌تواند تجربه تازه‌ای باشد، داستانی که با حال و هوای خوزستان، نخل و هور و شربت لگاح، مانند نوشیدن قهوه‌ای تلخ به جان می‌نشیند.

نگاهی به کتاب هرس

زنانی که پس از جنگ زخم‌هاشان خوب نشد

«هرس»، دومین رمان نسیم مرعشی، به دردها و زخم‌های درونی زنان به گونه‌ای متفاوت پرداخته است. اگرچه مرعشی در اولین کتابش با عنوان «پاییز فصل آخر سال است» انعکاس درد زنان امروزی را در وماندگی و روزمرگی نشان داده است، در «هرس» نیز سخن از رنجی است که نشان می‌دهد زنان به سبب آسیب‌پذیری بیشتر، تا سال‌ها زخم‌های پس از جنگ را یک می‌کشند، جنگی که تبعات آن نه فقط در جراحات ناشی از توپ و خمپاره خلاصه می‌شود، بلکه جراحات عمیق روحی و روانی در پی دارد.

بنابراین اگرچه جنگ در داستان تمام شده است، بازتاب آن در هر یک از شخصیت‌های داستانی آثار جبران‌ناپذیری به همراه دارد. علاوه بر آن، توصیفات مکانی و تجربه زیستی



هرس

نویسنده: نسیم مرعشی

ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیر مسئول
سید هادی فیاضی
سرپرست:
ارژنگ حاتمی
مسئول ضمیمه
حمیده وحیدی

۲شنبه
۲۶ مهر ۱۴۰۰
۱۱ رجب‌الاول ۱۴۴۲ شماره ۳۵۰۶

(۸)